

به نام خدا



وزارت علوم، تحقیقات، و فناوری

پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران

(ایرانداک)

خلاصه گزارش طرح پژوهشی سازمانی

عنوان

ارزیابی بلوغ مدیریت دانش در پژوهشگاه‌های منتخب وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تاریخ شروع طرح پژوهشی

۱۴۰۱/۱۱/۰۸

تاریخ پایان طرح پژوهشی

۱۴۰۴/۰۶/۰۴

نام و نام خانوادگی مجری طرح پژوهشی

فرهاد شیرانی

نام و نام خانوادگی همکاران طرح پژوهشی

درباره طرح پژوهشی

مطرح شدن موضوع سازمان‌های دانشی و یادگیرنده، جهت گیری بسیاری از سازمان‌ها را به این سمت و سو سوق داده که آنها توجه بیشتری به دانش و تمرکز بر محصولات و خدمات مبتنی بر دانش داشته باشند و این دارایی کلیدی را بیش از گذشته در کانون توجه داشته باشند. طبیعی است که در سازمان‌های یادگیرنده امروزی دانش از مهمترین بازیگرانی است که می‌تواند موفقیت یا شکست یک سازمان و واحدهای زیرمجموعه آن را پیش‌بینی کند. به همین دلیل، سازمان‌های قرن بیست و یکم بخشی از توجه خود را معطوف به دانش و چگونگی مدیریت آن کرده‌اند. اگر مؤسسه‌های پژوهشی ایران بخواهند برنامه و طرح مدیریت دانش را در سازمان خود اجرا و پیاده‌سازی کنند، نخستین گام آن خواهد بود که روشن شود که این سازمان‌ها تا چه اندازه برای چنین برنامه‌ها و طرح‌هایی آماده هستند و زیرساخت‌های لازم را دارا هستند. آمادگی سازمانی را می‌توان مجموعه‌ای از پیش‌نیازهای ضروری برای اجرای موفق برنامه‌ها و طرح‌های مدیریت دانش دانست. به عبارت دیگر، «آمادگی مدیریت دانش عبارتست از مجموعه‌ای از قابلیت‌های یک سازمان در دسترسی به زیرساخت‌های لازم برای مدیریت دانش و ظرفیت بکارگیری آنها». بنابراین سازمان‌ها و مدیران باید از خود بپرسند از کجا باید آغاز کرد؟ و آیا سازمان آمادگی تحقق مدیریت دانش را دارد یا خیر؟ هدف کلی این پژوهش آگاهی از میزان و سطح بلوغ مدیریت دانش در ۱۹ پژوهشگاه وابسته به وزارت علوم، تحقیقات، و فناوری است که در مجمع پژوهشگاه‌های ملی کشور عضویت دارند. انجام این پژوهش می‌تواند به مدیران سازمان‌ها این آگاهی را بدهد که مدیریت دانش چگونه می‌تواند بر دستیابی به اهداف و مأموریت‌ها تأثیرگذار باشد. افزون بر این، باید پیش از هر چیز وضعیت و امکانات موجود به شکلی درست بازنمایی شود تا بر پایه آن برنامه‌ریزی‌های آتی را انجام داد.

روش پژوهش

با توجه به اینکه هدف اصلی این پژوهش، ارزیابی سطح بلوغ مدیریت دانش در پژوهشگاه‌های منتخب وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است، تمرکز بر ایجاد یک نظریه کاملاً جدید یا انجام یک کار اکتشافی نیست. بلکه، پژوهشگر در این مطالعه به دنبال ارائه یک توصیف دقیق و جامع از وضعیت موجود است. به عبارت دیگر، هدف این پژوهش، نه کشف ناشناخته‌ها، بلکه تشریح و تحلیل یک پدیده مشخص در یک زمینه خاص است. در این پژوهش، پژوهشگر با استفاده از رویکرد کمی و روش پیمایش، به جمع‌آوری داده‌ها از مدیران و کارکنان ۱۹ پژوهشگاه منتخب وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری پرداخت. ابزار اصلی جمع‌آوری داده‌ها، پرسشنامه‌ای بود که به صورت آنلاین و کاغذی توزیع شد. این پرسشنامه، سطح بلوغ مدیریت دانش سازمان‌ها را در هفت بعد کلیدی، از رهبری مدیریت دانش گرفته تا نتایج حاصل از آن، مورد سنجش قرار داد. داده‌های جمع‌آوری شده از طریق پلتفرم پرسا در قالب فایل اکسل دانلود شده و برای انجام تحلیل‌های دقیق‌تر، به ویرایش ۱۶ نرم‌افزار «اس. پی. اس.» منتقل شدند. با استفاده از آمار توصیفی و آزمون‌های مناسب آمار استنباطی، داده‌های جمع‌آوری شده مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند تا به سوالات پژوهش پاسخ داده شود. قبل از وارد کردن داده‌ها به نرم‌افزار، یک مرحله پالایش روی آن‌ها انجام شد تا از صحت و دقت داده‌ها اطمینان حاصل شود و هرگونه داده نامناسب یا پرت حذف گردد. در نهایت، پاسخ‌های ۳۰۴ نفر از کارکنان پژوهشگاه‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و نتایج حاصل از این تحلیل‌ها، پایه و اساس یافته‌های پژوهش را تشکیل داد.

یافته‌های طرح پژوهشی

یافته‌های مربوط به میزان آشنایی مشارکت‌کنندگان با مفهوم، ابزارها و روش‌های مدیریت دانش نشان‌دهنده وضعیت نسبتاً متوسط آگاهی در این حوزه است. با توجه به اینکه ۵۷٫۵۷٪ از پاسخ‌دهندگان به میزان متوسطی با مدیریت دانش آشنا هستند، می‌توان نتیجه گرفت که درک و شناخت این مفهوم در میان کارکنان سازمان‌ها به‌طور کامل شکل نگرفته است. این وضعیت می‌تواند به عدم آموزش‌های کافی یا کمبود منابع اطلاعاتی در زمینه مدیریت دانش اشاره داشته باشد. این گروه ممکن است به دلیل عدم آگاهی از اهمیت مدیریت دانش، نتوانند به‌خوبی در فرآیندهای سازمانی مشارکت کنند و این امر می‌تواند بر بهره‌وری و رقابت‌پذیری سازمان تأثیر منفی بگذارد. بررسی بُعد رهبری مدیریت دانش نشان داد که میانگین گویه «این سازمان یک سیاست برای محافظت از دانش خود (برای مثال، حق تألیف، حق اختراع، مدیریت دانش، و امنیت دانش) دارد» نشان می‌دهد که پژوهشگاه‌های مورد بررسی، ارزش دانش را به عنوان یک دارایی درک می‌کنند. از سوی دیگر، امتیاز ۲٫۴۵۰۷ برای پشتیبانی از اشتراک‌گذاری دانش و کار تیمی نشان می‌دهد که اگرچه ممکن است برخی از پشتیبانی‌ها برای این فعالیت‌ها وجود داشته باشد، اما کافی نیست. تخصیص منابع مالی به فعالیت‌های مدیریت دانش نیز امتیاز پایینی دارد و نگرانی‌هایی را در مورد سطح سرمایه‌گذاری در ابتکارات مدیریت دانش ایجاد می‌کند. پژوهش‌های گذشته نشان داده‌اند که تأمین مالی کافی برای اجرای سیستم‌های مدیریت دانش، آموزش کارکنان، و پرورش فرهنگ دانش‌محور بسیار مهم است. نتایج پیمایش نشان دادند که در بُعد فرآیندها پژوهشگاه‌ها اهمیت هم‌راستایی قابلیت‌های اصلی خود با مأموریت و اهداف راهبردی‌شان را درک کرده‌اند. به همین دلیل گویه «سازمان، قابلیت‌های اصلی خود را (قابلیت‌هایی که از جنبه راهبردی مهم بوده و مزیت رقابتی ایجاد می‌کنند) مشخص می‌کند و آنها را با مأموریت و اهداف راهبردی خود هماهنگ می‌کند» بالاترین میانگین امتیاز. در بُعد کارکنان، به نظر می‌رسد پژوهشگاه‌ها اهمیت آموزش و توسعه مهارت‌های کارکنان خود را بیش از زمینه‌های دیگر درک می‌کنند. نتایج پرسشنامه «آپو» در رابطه با بُعد فناوری، نقاط قوت و ضعف مشخصی را در زمینه آمادگی فناوری سازمان‌ها برای پیاده‌سازی مدیریت دانش بازگو می‌کند. در حالی که سازمان‌ها دسترسی به فناوری را فراهم می‌کنند و از اینترنت برای

ارتباطات استفاده می کنند، کاستی هایی در توسعه زیرساخت های فناوری اطلاعات و هم راستا کردن فناوری با استراتژی های مدیریت دانش وجود دارد.

نتیجه گیری و پیشنهادها

نتایج نشان می دهند که سازمان ها به طور کلی ارزش مدیریت دانش را در بهبود عملکرد و دستیابی به اهداف راهبردی درک می کنند. آن ها تلاش می کنند تا تأثیر فعالیت های دانشی خود را اندازه گیری کرده و از دانش به دست آمده برای بهبود کیفیت محصولات و خدمات، افزایش بهره وری و سودآوری، و دستیابی به رشد پایدار استفاده کنند. همچنین، مستندسازی تجربیات موفق مدیریت دانش به سازمان ها کمک می کند تا از آموخته های خود بهره مند شده و استراتژی های مؤثر را تکرار کنند. در بررسی کلی سطح بلوغ مدیریت دانش در پژوهشگاه ها روشن شد که آنها در بُعد فناوری بیش از بُعد های دیگر آمادگی دارند. غافل ماندن از مفاهیم جدید و عدم استقبال از پذیرش رویکردهای تازه برای سازمان هایی که رقابت پذیری در محیط از اولویت های کلیدی شان است، می تواند خسارت های جبران ناپذیری در پی داشته باشد و سازمان ها را با شکست های پیش بینی نشده روبه رو سازند. پژوهشگاه ها، با توجه به اهداف و وظایفی که دارد، از نمونه چنین سازمان هایی است که مدام باید در اندیشه نوآوری در زمینه های گوناگون باشد تا بتواند اهداف و مأموریت های خود را به شکلی قابل قبول پیش ببرند. اما استقبال از نوآوری های گوناگون بدون آن که قبلاً مورد سنجش قرار گرفته باشند و کارآمدی آنها - دست کم به طور نسبی - مشخص شده باشد، ممکن است منابع مالی، انسانی، و زمانی سازمان را تلف کند و در نهایت به نتیجه مورد انتظار نیانجامد. این پژوهش، آگاهی های لازم را در این زمینه برای مدیران فراهم می کند.